

بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی بر اجتناب مالیاتی با توجه به تفاوت بین سود مشمول مالیات و سود ابرازی

یاشار خدادادی سلوط^{۱*}

قدرت اله طالب نیا^۲

علی اسماعیل زاده^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۴/۰۵/۱۸

چکیده

یکی از پیامدهای گسترش بازار سرمایه تفکیک مالکان از مدیران شرکت‌ها می‌باشد. با جدایی مالکیت از مدیریت مشکل نمایندگی بوجود می‌آید. با شکل‌گیری رابطه نمایندگی، تضاد منافع بین مدیران و سهامداران و سایر ذینفعان (از جمله دولت) ایجاد می‌گردد و به طور بالقوه این امکان به وجود می‌آید که مدیران اقداماتی انجام دهند که در جهت منافع خودشان بوده و ضرورتاً در جهت منافع سهامداران و سایر ذینفعان از جمله دولت نباشد. این امر موجب می‌شود که سود حسابداری گزارش شده در صورت سود و زیان شرکت‌ها با سود مشمول مالیات مطابق قوانین مالیاتی تفاوت داشته باشد. این تفاوت دلایل مختلفی دارد. با توجه به اختلاف مزبور، مبلغ مالیات قابل پرداخت نیز طبق گزارشگری مالی شرکت متفاوت از محاسبات مربوط طبق قوانین مالیاتی خواهد شد. در نتیجه نرخ قانونی مالیات با نرخ موثر مالیاتی متفاوت خواهد شد. برای کاهش هزینه‌های نمایندگی، سازوکار حاکمیت شرکتی در سازمانها برقرار می‌شود. در این راستا در این تحقیق سعی می‌شود نرخ موثر مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران محاسبه شده و در پی آن، میزان نرخ مزبور با برخی از ویژگی‌های حاکمیت شرکتی مانند اندازه هیات مدیره، دوگانگی نقش مدیرعامل، درصد سهامداران نهادی و درصد اعضا غیر موظف هیات مدیره (استقلال هیات مدیره) سنجیده شود. همچنین سایر متغیرهای مستقل اثرگذار بر نرخ موثر مالیات شامل کیفیت حسابرسی، اندازه شرکت، اهرم، میزان سرمایه‌بری شرکت و بازده دارایی می‌باشند. نمونه‌ای شامل ۷۶ شرکت طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ با روش داده‌های ترکیبی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان داد بین اندازه هیات مدیره و درصد مالکیت سهامداران نهادی با نرخ موثر مالیات رابطه معناداری تایید نشد، در حالی که استقلال هیات مدیره و دوگانگی نقش مدیرعامل با نرخ موثر مالیات دارای رابطه مثبت می‌باشند.

واژگان کلیدی

نرخ موثر مالیات، حاکمیت شرکتی، دوگانگی نقش مدیرعامل، عضو غیر موظف هیات مدیره، سهامداران نهادی

۱. کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد امارات، دبی، امارات متحده عربی. (نویسنده مسئول):

(Yashar.kh.s@gmail.com)

۲. دانشیار گروه حسابداری، دانشکده اقتصاد و حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

۳. دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

۱-مقدمه

یکی از مسائل مهم گزارشگری مالی این است که اصولاً سود حسابداری گزارش شده در صورت سود و زیان شرکت‌ها با سود مشمول مالیات مطابق قوانین مالیاتی متفاوت است. این تفاوت دلایل مختلفی دارد. دلایلی مانند غیرقابل قبول بودن برخی از هزینه‌های گزارش شده در صورت سود و زیان طبق قانون مالیات، اختلاف سلیقه در محاسبه مواردی مانند معافیت‌های مالیاتی و ناشی از خلاهای قانونی، تفاوت در مبلغ (نرخ) استهلاك طبق قانون مالیات و مبلغ استهلاك طبق اصول حسابداری و غیره. با توجه به اختلاف مزبور، مبلغ مالیات قابل پرداخت نیز طبق گزارشگری مالی شرکت متفاوت از محاسبات مربوط طبق قوانین مالیاتی خواهد شد. این امر باعث می‌شود که نرخ قانونی مالیات با نرخ موثر مالیاتی متفاوت باشد. در این تحقیق سعی می‌شود نرخ موثر مالیاتی (یا همان تفاوت بین سود مشمول مالیات و سود ابرازی) شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران محاسبه شده و در پی آن، میزان نرخ مزبور با برخی از ویژگی‌های حاکمیت شرکتی مانند اندازه هیئت مدیره، دوگانگی نقش مدیرعامل، درصد سهامداران نهادی و استقلال هیئت مدیره سنجیده شود. بررسی ادبیات موجود نشان می‌دهد که هیچ تعریف مورد توافقی در مورد حاکمیت شرکتی وجود ندارد. تعریف‌های موجود از حاکمیت شرکتی در یک طیف وسیع قرار می‌گیرند. دیدگاه‌های محدود در یک سو و دیدگاه‌های گسترده در سوی دیگر طیف قرار دارند. در دیدگاه‌های محدود، حاکمیت شرکتی به رابطه شرکت و سهامداران محدود می‌شود. این الگویی قدیمی است که در قالب نظریه نمایندگی بیان می‌شود. در آن سوی طیف، حاکمیت شرکتی را می‌توان به صورت شبکه‌ای از روابط در نظر گرفت که نه تنها میان شرکت و مالکان آنها (سهامداران) بلکه میان شرکت و تعداد زیادی از ذینفعان از جمله کارکنان، مشتریان، دولت، فروشندگان، دارندگان اوراق قرضه و... وجود دارد. چنین دیدگاهی در قالب نظریه ذینفعان دیده می‌شود (حساس یگانه، ۱۳۸۵). طبق تئوری ذینفعان شرکت‌ها بسیار بزرگ شده و تاثیر آنها بر جامعه آنچنان عمیق است که باید بجز سهامداران به بخش‌های بیشتری از جامعه (از جمله دولت) توجه کرده و پاسخگو باشند. شرکت‌ها باید به صورت اخلاقی عمل کنند و منافع همه ذینفعان را در نظر بگیرند. با جدا شدن مالکیت از مدیریت، مدیران به عنوان نماینده مالکان و سهامداران در اداره شرکت‌ها نقش اصلی را به عهده گرفتند. با شکل‌گیری رابطه نمایندگی، تضاد منافع بین مدیران و سایر ذینفعان (از جمله دولت) ایجاد می‌گردد و به طور بالقوه این امکان به وجود می‌آید که مدیران اقداماتی انجام دهند که در جهت منافع خودشان بوده و ضرورتاً در جهت منافع سهامداران و سایر ذینفعان (از جمله دولت) نباشند که به آن مساله نمایندگی گفته می‌شود. جنسن و مک‌لینگ^۱ مبانی تئوری نمایندگی را مطرح و شرکت‌ها را به عنوان کارگزاران و سهامداران را به عنوان کارگمار تعریف کردند. یکی از فرضیات اصلی تئوری نمایندگی این است که کارگمار و کارگزاران تضاد منافع دارند. این تضاد منافع، ضرورت کنترل مدیریت شرکت‌ها توسط سهامداران را نشان می‌دهد. حاکمیت شرکتی مجموعه مکانیزم‌های هدایت و کنترل شرکت هاست. نظام حاکمیت شرکتی توزیع حقوق و مسئولیت‌های ذینفعان مختلف شرکت‌ها اعم از مدیران، کارکنان، سهامداران و سایر ذینفعان (از جمله دولت) را مشخص می‌کند. نظام حاکمیت شرکتی مجموعه دستورالعمل‌ها، ساختارها، فرایندها و هنجارهای فرهنگی است که شرکت‌ها با رعایت آنها به اهداف شفافیت در فرایندهای کاری، پاسخگویی در مقابل ذینفعان و رعایت حقوق ایشان

¹. Jensen and Meckling

دست خواهند یافت. مدیریت سود برابندی از قابلیت انعطاف و اعمال نظری است که مدیران در گزارشگری دارند مدیران ممکن است از این قدرت خود برای مدیریت فرصت طلبانه سود یا انتقال محرمانه درباره عملکرد آتی شرکت استفاده نمایند (گرامی و همکاران، ۱۴۰۱).

بیشتر محققین دریافته اند که مدیریت سود با انگیزه گمراه کننده استفاده کنندگان از صورت های مالی و یا انحراف از نتایج قراردادهایی که بستگی به سودهای حسابداری دارد انجام می شود. مدیریت بر سود یعنی اینکه مدیر می تواند رویه ای از حسابداری را انتخاب نماید که به هدف خاصی دست یابد این اهداف می تواند تغییر مدیرعامل، عرضه سهام برای نخستین بار، انگیزه های موجود در قراردادها و انگیزه های سیاسی و یا مالیاتی باشد. (نصیرزاده و همکاران، ۱۴۰۲).

مکانیزم حاکمیت شرکتی باعث کم شدن مشکلات نمایندگی در شرکت ها می گردد. با استفاده از تئوری ذینفعان می توان رابطه بین حاکمیت شرکتی و نرخ موثر مالیات^۱ را توجیه کرد. چون دولت یکی از ذینفعان شرکت است که طبق این تئوری شرکت باید منافع دولت را در نظر بگیرد و حاکمیت شرکتی در شرکت نظارت می کند تا حق دولت که همان مالیات است رعایت شود. اگر عوامل حاکمیت شرکتی که مبانی نظری آن اذعان به رعایت حقوق کلیه ذینفعان دارد، در شرکت وجود داشته باشد، انتظار می رود سود مشمول مالیات و نرخ موثر مالیات را تحت تاثیر قرار دهد. در این مطالعه بررسی خواهد شد که آیا عناصر حاکمیت شرکتی بر نرخ موثر مالیات شرکت ها در بورس اوراق بهادار تهران اثر می گذارند؟ به عبارتی حاکمیت شرکتی می تواند نقش موثری بر رعایت حقوق دولت در شرکت ها داشته باشد؟

۲- مبانی نظری

۲-۱- نرخ موثر مالیات

حسابداران نرخ موثر مالیات را به عنوان هزینه مالیات بر درآمد برای اهداف گزارشگری مالی تقسیم بر درآمد حسابداری قبل از کسر مالیات تعریف می کنند. (سانسینگ، ۱۹۹۸). نرخ موثر مالیات: هزینه مالیات بر درآمد تقسیم بر سود حسابداری قبل از کسر مالیات.

این مقیاس با تقسیم برخی از برآورد بدهی مالیاتی بر سود قبل از کسر مالیات و یا جریان نقدی محاسبه می شوند. این اندازه گیری ها متوسط نرخ مالیات در هرواحد از درآمد یا جریان نقدی را در بر می گیرد. درک آنچه در صورت کسر قرار می گیرد ضروری است. این مقیاس به پنج دسته دیگر شامل نرخ موثر مالیات طبق اصول پذیرفته شده حسابداری، نرخ موثر مالیات جاری، نرخ موثر مالیات نقدی، نرخ موثر مالیات نقدی بلندمدت و تفاضل نرخ موثر مالیات قانونی و حسابداری تقسیم بندی می شود (هائلون و هیتزمن، ۲۰۱۲).

۲-۲- حاکمیت شرکتی

حاکمیت شرکتی قوانین، مقررات، ساختارها، فرآیندها، فرهنگ ها و سیستم هایی است که موجب دستیابی به هدف های پاسخگویی، شفافیت، عدالت و رعایت حقوق ذی نفعان می شود (حساس یگانه، ۱۳۸۵). سازمان همکاری و اقتصاد جهانی^۲ حاکمیت شرکتی را به صورت زیر تعریف کرده است: راهبری شرکتی شامل مجموع روابط مدیران اجرائی، اعضای هیات مدیره، سهامداران و سایر ذینفعان شرکت است. همچنین ساختاری برای تدوین اهداف شرکت

^۱ . Effective tax rate

^۲ . OECD

و راه های دستیابی به اهداف و نیز چگونگی ارزیابی و نظارت بر عملکرد را شامل می شود. حاکمیت شرکتی را می توان به صورت شبکه ای از روابط در نظر گرفت که نه تنها میان شرکت و مالکان آنها (سهامداران) بلکه میان شرکت و تعداد زیادی از ذینفعان از جمله کارکنان، مشتریان، فروشندگان، دارندگان اوراق قرضه وجود دارد. چنین دیدگاهی در قالب نظریه ی ذینفعان دیده می شود. اگرچه موضوع های حاکمیت شرکتی مدت زیادی است که وجود دارند، ولی توجه پژوهشگران در سه دهه اخیر را بیش از پیش به خود جلب کرده اند. بررسی ادبیات موجود نشان می دهد که هیچ تعریف موردتوافقی در مورد حاکمیت شرکتی وجود ندارد. تعریف های موجود از حاکمیت شرکتی در طیف وسیع قرار می گیرند. دیدگاه های محدود در یک سو و دیدگاه های گسترده در سوی دیگر طیف قرار دادند. در دیدگاه های محدود، حاکمیت شرکتی به رابطه شرکت و سهامداران محدود می شود. این الگو در قالب نظریه ی نمایندگی بیان می شود. (نیک قلب و همکاران، ۱۴۰۱).

۳-۲- اجتناب مالیاتی

اجتناب مالیاتی فعالیتی به ظاهر قانونی است که در محدوده ای معین جهت استفاده از مزایای مالیاتی استفاده می شود و به طور عمده قوانین محدودکننده ای در زمینه کنترل اجتناب مالیاتی وجود ندارد (صفری گرایلی و پودینه، ۱۳۹۵).

۴-۲- دوگانگی نقش مدیر عامل

به حالتی اطلاق می شود که سمت مدیر عامل و رئیس یا نایب رئیس هیات مدیره شرکت در فرد واحدی جمع شده باشد.

عضو غیر موظف هیات مدیره

به عضوی از هیات مدیره اطلاق می شود که در شرکت مسئولیت اجرایی رسمی نداشته باشد.

۵-۲- سهامداران نهادی

سرمایه گذاران نهادی، سرمایه گذاران بزرگ نظیر بانک ها، شرکت های بیمه، شرکت های سرمایه گذاری هستند. عموماً این گونه تصور می شود که حضور سرمایه گذاران نهادی ممکن است به تغییر رفتار و رویه های شرکت ها منجر شود. سرمایه گذاران نهادی معمولاً به دلیل در اختیار داشتن درصد قابل توجهی از سهام شرکت ها و همچنین حرفه ای بودن در امر سرمایه گذاری توان و انگیزه لازم برای نظارت بر شرکت ها را دارا هستند عموماً اینگونه تصور می شود که حضور سرمایه گذاران نهادی ممکن است به تغییر رفتار و عملکرد شرکت ها منجر شود این امر از فعالیت های نظارتی که این سهامداران انجام می دهند نشأت می گیرد (فان و وانگ، ۲۰۱۹).

به اشخاص حقیقی یا حقوقی اطلاق می شود که تعداد قابل ملاحظه ای از سهام عادی شرکت را در اختیار داشته باشند. موسسات سرمایه گذاری، نهادهای عمومی غیر دولتی و یا سایر شرکت های تجاری از جمله سهامداران نهادی محسوب می شوند.

مصوبه مورخ ۱۳۸۶/۰۶/۲۸ هیات مدیره سازمان بورس اوراق در خصوص تعریف سهامدار نهادی به شرح ذیل است:

"سرمایه گذاران نهادی موضوع بند ۲۷ ماده یک قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران عبارتند از:

۱- بانک ها و بیمه ها؛

۲- هلدینگ ها، شرکت های سرمایه گذاری، صندوق بازنشستگی، شرکت تامین سرمایه و صندوق های سرمایه گذاری ثبت شده نزد سازمان بورس اوراق بهادار؛

۳- هر شخص حقیقی یا حقوقی که بیش از ۵ درصد یا بیش از ۵ میلیارد ریال از ارزش اسمی اوراق بهادار در دست انتشار را خریداری کند؛

۴- سازمان و نهادهای دولتی و عمومی؛

۵- شرکت های دولتی؛

۶- اعضای هیات مدیره و مدیران ناشر یا اشخاصی که کارکرد مشابه دارند". (شرکت اطلاع رسانی بورس، ۱۳۸۷).

۲-۶- مدیریت سود

مدیریت سود انتخاب رویه حسابداری است که هم می تواند به گونه ای فرصت طلبانه در برای حداکثر سازی منافع مدیریت به کار برده شود و هم می تواند از لحاظ اقتصادی باعث افزایش کارایی گردد. مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی شرکت است که بر اساس مدل دیچو و با استفاده از قدر مطلق باقیمانده های مدل رگرسیونی زیر سنجیده می شود. یک عامل بنیادی در آزمون مدیریت سود در شرکتها، تخمین عامل اختیار و اعمال نظر مدیران در تعیین سود است که مبتنی بر اندازه گیری و کاربرد ارقام تعهدی اختیاری می باشد. بررسی ادبیات مبتنی بر مدیریت سود، بیانگر وجود رویکردهای متفاوت در تخمین و اندازه گیری ارقام تعهدی اختیاری می باشد. ارقام تعهدی اختیاری، به عنوان شاخص سنجش مدیریت سود در نظر گرفته شده است (واعظ و همکاران، ۱۴۰۱).

۳- پیشینه تحقیقات

نفر شلمزاری و همکاران (۱۴۰۳)، در پژوهش خود به "بررسی رابطه حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی و تاثیر آنها بر سود شرکت ها" پرداختند. حاکمیت شرکتی چگونگی حفاظت از حقوق سهامداران را بیان می کند و همچنین فرصت طلبی مدیران را کاهش میدهد. نظام راهبری شرکتی بیش از هر چیز، حیات شرکت در دراز مدت را هدف قرار داده است و در این راستا سعی دارد تا از منافع سهامداران در مقابل مدیران شرکت پشتیبانی و از انتقال ناخواسته ثروت میان گروه ها مختلف تضعیف حقوق عموم و سهامداران جز جلوگیری کند و همچنین سود به عنوان مبنایی برای محاسبه مالیات، معیاری برای ارزیابی موفقیت عملکرد شرکت، معیار برای تعیین میزان سود های قابل تقسیم، معیاری برای مدیریت توزیع سود سهام و مبنایی برای ارزیابی موفقیت مدیریت واحداقتصادی است. یافته های ما نشان می دهد که برای استفاده کنندگان صورت های مالی مهم است که تاثیر اجتناب از مالیات شرکتها بر ریسک قیمت گذاری شده و ریسک خاص در چارچوب نوع شرکت ارزیابی کنند. ما دریافتیم شرکت هایی که رابطه مثبتی بین اجتناب مالیاتی و ریسک خاص نشان میدهند، ریسک عملیاتی کمتری دارند اما انگیزه های قوی تری برای افزایش سود و ریسک شرکت و فرصت های بیشتری برای اجتناب مالیاتی دارند.

محمودی و همکاران (۱۴۰۲)، در پژوهش خود به "بررسی نقش تعدیلگری حاکمیت شرکتی بر رابطه بین اجتناب از مالیات و ریسک مالیاتی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" پرداختند. بر اساس تئوری نمایندگی، یکی از انگیزه های مدیریت سود، کاهش تعهدات و پرداخت های مالیاتی از طریق کمینه سازی نرخ موثر مالیات است. استراتژی های مالیاتی یا با اهداف کوتاه مدت و فرصت طلبانه، نرخ موثر مالیاتی را کاهش می دهند یا با هدف کاهش مالیات در بلندمدت و ایجاد ارزش برای شرکت. لذا بدین منظور پژوهش حاضر به بررسی نقش تعدیلگری حاکمیت شرکتی بر رابطه بین اجتناب از مالیات و ریسک مالیاتی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سالهای ۱۳۹۳ الی ۱۴۰۰ استفاده از اطلاعات ۱۲۰ شرکت پرداخته است. آزمون فرضیه ها از

طریق رگرسیون چندگانه و باجیدمان داده ای تابلویی صورت پذیرفت. نتایج پژوهش نشان داد که نرخ موثر مالیات شرکتی و نوسانات نرخ مالیات شرکتی موثر آینده شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تاثیر مثبت دارد. اما حاکمیت شرکتی بر ارتباط منفی بین نرخ موثر مالیات شرکتی و نوسانات نرخ موثر مالیات شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران نقش تعدیلگری ندارد.

مرادپور و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی تحت عنوان تاثیر حاکمیت شرکتی بر کارایی سرمایه گذاری نشان دادند که بین حاکمیت شرکتی و کارایی سرمایه گذاری ارتباط مثبت وجود دارد، یعنی هرچه حاکمیت شرکتی قوی تر باشد تصمیمات مربوط به سرمایه گذاری کاراتر خواهد شد.

محمدحسینی (۱۴۰۰) در تحقیقی تخصص مالی مدیرعامل و اجتناب مالیاتی را در فاصله زمانی بین سال های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸ مورد بررسی قرار داد. نتایج حاصل از آزمون های آماری پژوهش نشان می دهد که بین تخصص مالی مدیرعامل و اجتناب مالیاتی رابطه منفی و معنادار وجود دارد.

خواجوی و کیانمهر (۱۳۹۵) اطلاعات کلی شرکت ها را در فاصله زمانی ده ساله ۱۳۸۳ الی ۱۳۹۲ بررسی شده و ۴۹۰ سال شرکت انتخاب گردید و به مدل سازی اجتناب مالیاتی با استفاده از تکنیک مدل سازی معادلات ساختاری پرداخته شد. نتایج پژوهش نشان می دهد که حاکمیت شرکتی بر اجتناب مالیاتی تاثیرگذار است، به طوریکه با افزایش سازوکارهای حاکمیت شرکتی، اجتناب مالیاتی کاهش می یابد. همچنین حاکمیت شرکتی به طور غیرمستقیم (از طریق متغیر میانجی کیفیت گزارشگری مالی) بر اجتناب مالیاتی تاثیرگذار است. سایر نتایج پژوهش نیز نشان می دهد کیفیت حسابرسی بر اجتناب مالیاتی تاثیرگذار است به طوریکه با افزایش کیفیت حسابرسی، اجتناب مالیاتی کاهش می یابد. همچنین کیفیت حسابرسی به طور غیرمستقیم (از طریق متغیر میانجی کیفیت گزارشگری مالی) بر اجتناب مالیاتی تاثیرگذار است.

ریچاردسون^۱ و همکاران (۲۰۱۶) به این موضوع پرداختند که آیا مشوق های اعطایی به مدیران، باعث کاهش اجتناب مالیاتی می گردد. نتایج تحقیق آن ها نشان داد که موقعیت مالیاتی شرکت، تخصص مالیاتی مدیران و مشوق های پاداشی وابسته به عملکرد مدیران، به طور مثبت و قابل توجهی در تداعی با اجتناب مالیاتی می باشند.

- آرمسترانگ^۲ و همکاران (۲۰۱۵) به بررسی ارتباط بین حاکمیت شرکتی، انگیزه های مدیریتی و اجتناب مالیاتی پرداختند. مشابه با دیگر فرصت های سرمایه گذاری که شامل وجه نقد مورد انتظار مخاطره آمیز، مشکلات حل نشده نمایندگی، مدیران امکان دارد درگیر جریان اجتناب مالیاتی گردند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که رابطه مثبتی بین استقلال هیئت مدیره و پیچیدگی های مالی با سطح پایین اجتناب مالیاتی وجود دارد.

کارن کراب^۳ (۲۰۱۰) اثر هزینه مشاوره مالیاتی و حسابرس را بر نرخ موثر مالیات شرکت های بلژیکی مورد مطالعه قرار داد. علاوه بر این بررسی کرد که این ارتباط بعد از اجرا شدن قانون حاکمیت شرکتی در سال ۲۰۰۳، چگونه تغییر پیدا کرد. او اطلاعات شرکت های بلژیکی را بین سالهای ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۷ را مورد مطالعه قرار داد. هدف او این بود که بداند آیا صرف هزینه بیشتر برای مشاوره مالیاتی یا آیا نوع حسابرس می تواند نرخ موثر مالیات شرکت را

^۱. Richardson

^۲. Armstrong

^۳. Karen Crabbe

کاهش دهد. او از مدل رگرسیون استفاده کرد که در آن از نرخ موثر مالیات به عنوان متغیر وابسته و از اندازه شرکت، میزان سرمایه بری شرکت، اهرم، هزینه تحقیق و توسعه، هزینه مشاوره مالیاتی، حسابرسی ۴ شرکت بزرگ به عنوان متغیر مستقل استفاده کرد.

۴- فرضیات

فرضیه ۱- بین اندازه هیات مدیره با نرخ موثر مالیات رابطه معنادار وجود دارد.

فرضیه ۲- بین درصد اعضا غیر موظف هیات مدیره (استقلال هیات مدیره) با نرخ موثر مالیات رابطه معنادار وجود دارد.

فرضیه ۳- بین دوگانگی نقش مدیرعامل با نرخ موثر مالیات رابطه معنادار وجود دارد.

فرضیه ۴- بین درصد مالکیت سهامداران نهادی و نرخ موثر مالیات رابطه معنادار وجود دارد.

همچنین اثر سایر پارامترهای موثر بر نرخ موثر مالیاتی مورد سنجش قرار می گیرد، مانند کیفیت حسابرسی، اندازه شرکت، اهرم، میزان سرمایه بری شرکت و بازده دارایی.

۵- روش تحقیق

با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی، نرخ موثر مالیات را به عنوان تابعی از همه ی متغیرها تعیین می کنیم. نرخ موثر مالیات به عنوان متغیر وابسته و اندازه هیئت مدیره، استقلال هیئت مدیره، دوگانگی نقش مدیرعامل و درصد مالکیت سهامداران نهادی به عنوان متغیر مستقل هستند. متغیرهای کیفیت حسابرسی، اندازه شرکت، اهرم، میزان سرمایه بری شرکت و بازده دارایی ها که به نظر می رسد بر نرخ موثر مالیات، موثر باشند به عنوان متغیر کنترلی تعریف شده اند. این پژوهش به بررسی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بر اساس روش تحلیل ترکیبی داده ها می پردازد. فاصله زمانی این پژوهش شامل اطلاعات سال های ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۳ (۵ سال) می باشد. در این تحقیق به منظور جمع آوری مبنای تئوریک موضوع از روش کتابخانه ای استفاده شده است. اطلاعات لازم از طریق بانک اطلاعاتی تدبیر پرداز و ره آورد و در مواقع لزوم از طریق مراجعه مستقیم به صورت های مالی شرکت ها در لوح های فشرده (CD) منتشره توسط سازمان بورس و اوراق بهادار تهران و وب سایت www.rdis.ir جمع آوری شده و تجزیه و تحلیل داده ها به وسیله نرم افزارهای Excel و Eviews انجام گرفته است. برای اثبات فرضیه ها از مدل خطی زیر که برگرفته از مدل ساکتی ماهنتیران^۱ (۲۰۰۹) است، استفاده شده که با شرایط ایران تعدیل شده است:

$$ETR = \beta_0 + \beta_1 Brdsze + \beta_2 Brdind + \beta_3 Dual + \beta_4 Insown + \beta_5 Big A + \beta_6 LogTA + \beta_7 Lev + \beta_8 Cap_Int + \beta_9 ROA$$

متغیرهای مستقل:

Brdsze: بیانگر اندازه هیئت مدیره^۲ است، متغیر دامی ۰ و ۱ است. اگر تعداد هیئت مدیره بیشتر از تعداد متوسط هیئت مدیره باشد، عدد ۱ و در غیر این صورت عدد صفر می باشد.

Brdind: بیانگر استقلال هیات مدیره^۳ است که از طریق نسبت مدیران غیر موظف هیئت مدیره به کل اعضا تعیین می شود.

^۱. Sakthi Mahenthiran

^۲. Board Size

^۳. Board Independence

Dual: بیانگر دوگانگی نقش مدیر عامل^۱ است، اگر مدیر عامل رئیس هیئت مدیره باشد ۱ و در غیر این صورت صفر لحاظ می شود.

Insown: بیانگر درصد مالکیت سهامداران نهادی^۲ است. درصدی از سهام یک شرکت سهامی است که متعلق به بانک ها، بیمه ها، نهادهای مالی، شرکت های هلدینگ، سازمان و نهادها و شرکت های دولتی، صندوق بازنشستگی و شرکت های سرمایه گذاری می باشد.

متغیر وابسته:

ETR: بیانگر نرخ موثر مالیات است. حسابداران نرخ موثر مالیات را به عنوان هزینه مالیات بر درآمد برای اهداف گزارشگری مالی تقسیم بر سود حسابداری قبل از کسر مالیات تعریف می کنند. (سانسینگ، ۱۹۹۸)

نرخ موثر مالیات: هزینه مالیات بر درآمد تقسیم بر سود حسابداری قبل از کسر مالیات.

متغیرهای کنترلی:

۵ متغیر کنترلی زیر نشان دهنده ویژگی های شرکت است که ممکن است بر نرخ موثر مالیات شرکت اثر بگذارد.

Big A: بیانگر کیفیت حسابرسی^۳ است، اگر سازمان حسابرسی، حسابرس شرکت باشد ۱ و در غیر این صورت صفر لحاظ می شود.

LogTA: بیانگر اندازه شرکت^۴ است که با لگاریتم کل دارایی های شرکت تعیین می شود.

Lev: بیانگر اهرم^۵ است که از طریق تقسیم جمع بدهی ها بر کل دارایی ها به دست می آید.

Cap_Int: بیانگر میزان سرمایه بری^۶ شرکت است که از طریق تقسیم جمع دارایی های بلندمدت (به عنوان مثال اموال، تجهیزات) بر کل دارایی ها به دست می آید (نشان دهنده وجوه سرمایه گذاری شده در دارایی های مشهود بلند مدت است که می تواند بر نرخ موثر مالیات اثر بگذارد).

ROA: بیانگر بازده دارایی ها^۷ است، نسبت سود خالص به کل دارایی ها.

۶- یافته ها

آمار توصیفی عبارت است از مجموعه روش هایی که پردازش داده ها را فراهم می سازد. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول زیر آورده شده است. کمیت های آماری توصیفی شامل حداقل، حداکثر، میانه، میانگین و انحراف معیار است. انتخاب نمونه و تاثیر آن روی اندازه نمونه در کل از ۷۶ شرکت در طی سالهای ۱۳۸۹-۱۳۹۳ در این تحقیق استفاده شد. با توجه به اینکه از روش ترکیب داده های سری زمانی و مقطعی برای آزمون فرضیات استفاده می کنیم، لذا تعداد مشاهدات سال- شرکت بر اساس داده های ترکیبی، ۳۶۸ مشاهده بوده است و شرکتها به طور کاملاً تصادفی بین صنایع توزیع شده اند.

¹.Chief Executive Officer Duality

².Institutional Ownership

³.Big auditing

⁴.Log of total assets

⁵.Leverage

⁶.Capital intensity

⁷.Return on assets

جدول ۱- آمار توصیفی داده ها

متغیر	کمیت آماری	میانگین	میانه	مینیمم	ماکزیمم	انحراف معیار
نرخ موثر مالیات	۰/۰۹	۰/۰۸	۰	۰/۵۵	۰/۱۱	
اندازه هیات مدیره	۰/۰۱	۰	۰	۱	۰/۱۱	
استقلال هیات مدیره	۰/۵۱	۰/۶	۰/۲	۱	۰/۲۹	
دوگانگی نقش مدیرعامل	۰/۰۰۵	۰	۰	۱	۰/۰۷	
درصد مالکیت سهامداران نهادی	۰/۷۲	۰/۷۹	۰/۱۲۵	۱	۰/۲۱	
کیفیت حسابرسی	۰/۲۸	۰	۰	۱	۰/۴۵	
اندازه شرکت	۱۳/۱۹	۱۳/۰۷	۹/۸۲	۱۷/۷۸	۱/۳۹	
اهرم مالی	۰/۶۱	۰/۶	۰/۰۹	۱/۳۰۲	۰/۲۰۲	
میزان سرمایه بری شرکت	۰/۱۱	۰/۳۵۳	۰/۰۲۶	۰/۹۲۷	۰/۱۹۴	
بازده دارایی ها	۰/۱۱	۰/۰۹۹	-۰/۳۲	۰/۵۷	۰/۱۲	

مدل تحقیق با استفاده از تکنیک قدرتمند پانل برآورد شده است. برای انتخاب میان روش های حداقل مربعات تلفیقی، اثر ثابت (FE) و اثر تصادفی (RE) و آزمون های چاو^۳، ضریب لاگرانژ (LM) و آزمون هاسمن^۵ استفاده شده است. جهت تخمین مدل و انجام آزمون های مذکور، از نرم افزارهای stata 9.1 و Eviews6 استفاده شده است.

جدول ۲- نتایج آزمون های چاو، ضریب لاگرانژ و هاسمن

نوع آزمون	آماره آزمون	سطح معناداری	نتیجه آزمون
آزمون چاو	۴/۵۲	۰/۰۰۰۰	تایید مدل اثر ثابت در برابر مدل داده های تلفیقی
آزمون ضریب لاگرانژ	۷۹/۵۵	۰/۰۰۰۰	تایید مدل اثر ثابت در برابر اثر تصادفی
آزمون هاسمن	۵۷/۵۳	۰/۰۰۰۰	تایید مدل اثر ثابت در برابر اثر تصادفی

روش اثرات ثابت مورد تایید قرار گرفت، مدل تحقیق، با اثرات ثابت برآورد و نتایج تخمین در جدول ارائه شده است.

جدول ۳- نتیجه رگرسیون ترکیبی به منظور سنجش رابطه بین نرخ موثر مالیات و حاکمیت شرکتی

متغیر وابسته: نرخ موثر مالیات				
متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	prob
اندازه هیات مدیره	۰/۰۳۳۹۶۹	۰/۰۲۲۰۷۹	۱/۵۳۸۵۰۱	۰/۱۲۵۰
استقلال هیات مدیره	۰/۰۴۲۵۳۹	۰/۰۱۵۷۴۳	۲/۷۰۲۰۵۴	۰/۰۰۷۳
دوگانگی نقش مدیرعامل	۰/۰۵۷۶۶۴	۰/۰۱۲۹۵۹	۴/۴۴۹۷۷۸	۰/۰۰۰۰

^۱ . Fixed Effects (FE)

^۲ . Random Effects (RE)

^۳ . Chow test

^۴ .Lagrange Multiplier (LM)

^۵ .Lagrange Multiplier (LM)

متغیر وابسته: نرخ مؤثر مالیات				
متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	prob
درصد مالکیت سهامداران نهادی	-۰,۰۰۰۱۴۷	۰/۳۱۹۳۱	-۰/۰۰۴۶۱۵	۰/۹۹۶۳
کیفیت حسابداری	-۰,۰۱۳۳۲۷	۰/۰۰۸۹۵۱	-۱/۴۸۸۸۹۷	۰/۱۳۷۶
اندازه شرکت	۰/۰۵۶۰۰۱	۰/۰۰۷۹۸۴	۷/۰۱۴۳۵۳	۰/۰۰۰۰
اهرم مالی	-۰/۱۱۹۷۳۴	۰/۰۲۳۶۹۷	-۵/۰۵۲۸۰۰	۰/۰۰۰۰
میزان سرمایه بری شرکت	۰/۰۳۳۶۹۰	۰/۰۲۸۹۴۹	۱/۱۶۳۷۴۹	۰/۲۴۵۵
بازده دارایی ها	۰/۰۱۲۵۶۸	۰/۰۲۲۲۹۸	۰/۵۶۳۶۵۹	۰/۵۷۳۴
آماره F	۶۰/۵۳۱۴۳		آماره دوربین واتسون	۱/۹۷۴۴۲۶
Prob(F-statistic)	۰,۰۰۰۰۰		R ² تعدیل شده	۰/۹۳۱۶۲۷

مطابق با جدول معناداری کل رگرسیون، در سطح اطمینان ۹۹٪ تایید می شود.

$$\text{Prob (F-statistic)}=0.0000$$

از طرفی، ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰/۹۳۱۶۲۷ بیان می دارد که بیش از ۹۳٪ متغیر وابسته، توسط متغیر مستقل توضیح داده می شود. یعنی متغیرهای توضیحی مورد نظر حدود ۹۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می دهند. آماره دوربین واتسون در این مدل ۱/۹۷۴۴۲۶ می باشد که نشان دهنده این است مشکل خودهمبستگی بین متغیرها وجود ندارد.

نتیجه رگرسیون ترکیبی به منظور سنجش رابطه بین نرخ مؤثر مالیات و اندازه هیأت مدیره P-value برابر با ۰,۱۲۵۰ مربوط به ضریب متغیر مستقل در آماره t نشان دهنده این است که رابطه معناداری بین نرخ مؤثر مالیات و اندازه هیأت مدیره اثبات نشد. (رد فرضیه اول)

نتیجه رگرسیون ترکیبی به منظور سنجش رابطه بین نرخ مؤثر مالیات و درصد اعضای غیرموظف هیأت مدیره (استقلال هیأت مدیره)

ضریب ۰/۰۴۲۵۳۹ بیانگر وجود رابطه مثبت بین نرخ مؤثر مالیات و استقلال هیأت مدیره می باشد. P-value برابر با ۰/۰۰۷۳ مربوط به ضریب متغیر مستقل در آماره t بر وجود رابطه معنی دار بین متغیر وابسته نرخ مؤثر مالیات و متغیر مستقل استقلال هیأت مدیره در سطح اطمینان ۹۹ درصد دلالت می کند. بنابراین، بین نرخ مؤثر مالیات و استقلال هیأت مدیره رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. (قبول فرضیه دوم).

نتیجه رگرسیون ترکیبی به منظور سنجش رابطه بین نرخ مؤثر مالیات و دوگانگی نقش مدیرعامل ضریب ۰/۰۵۷۶۶۴ بیانگر وجود رابطه مثبت بین نرخ مؤثر مالیات و دوگانگی نقش مدیر عامل می باشد. P-value برابر با ۰/۰۰۰۰ مربوط به ضریب متغیر مستقل در آماره t بر وجود رابطه معنی دار بین متغیر وابسته نرخ مؤثر مالیات و متغیر مستقل دوگانگی نقش مدیر عامل در سطح اطمینان ۹۹ درصد دلالت می کند. بنابراین، بین نرخ مؤثر مالیات و دوگانگی نقش مدیر عامل رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. (قبول فرضیه سوم).

۷- نتیجه گیری

نتیجه آزمون فرضیه اول

در این فرضیه، رابطه بین اندازه هیات مدیره و نرخ مؤثر مالیات بررسی گردید. آزمون فرضیه بیانگر این است رابطه معنی دار بین این دو متغیر تایید نشد. با توجه به اینکه در اکثر شرکت های جامعه آماری، تعداد اعضای هیأت مدیره ۵ نفر بودند، بنابراین نمونه انتخابی نیز دارای این ویژگی می باشد. علت عدم وجود رابطه معنادار در این فرضیه نیز احتمالاً به این دلیل می باشد. که متغیر اندازه هیات مدیره به صورت مجازی (۱۰ و ۱) تعریف شده بود در واقع اگر تعداد هیات مدیره هر شرکت بیش از میانگین همه شرکت های نمونه باشد عدد یک و رنه عدد صفر می گرفت و چون اعضای هیات مدیره اکثر شرکت های بورس اوراق بهادار ۵ نفره می باشد، میانگین آنها ۵٫۴۵ شده از این رو اندازه این متغیر برای اکثر شرکت ها صفر می باشد احتمالاً به همین دلیل رابطه معناداری بین این دو متغیر مشاهده نگردید. برای بهبود نتایج بدست آمده می توان از متغیر مجازی بیشتری استفاده نمود و یا اینکه بجای استفاده از میانگین شاید بتوان از میانه یا مد استفاده کرد. این نتایج همسو با نتیجه محمدحسینی (۱۴۰۰) می باشد. درحالیکه ماهنتیران (۲۰۰۹) رابطه منفی معناداری بین این دو متغیر یافت.

نتیجه آزمون فرضیه دوم

در این فرضیه، رابطه بین درصد اعضای غیر موظف هیأت مدیره (استقلال هیأت مدیره) با نرخ مؤثر مالیات بررسی گردید. نتیجه تحقیق نشان داد که بین این دو متغیر، رابطه مثبت و معناداری دارد. بنابراین می توان چنین استنباط کرد از آنجایی که عضو غیر موظف هیأت مدیره، در شرکت مسئولیت اجرایی ندارد، برای آن ها اهمیتی ندارد که سازوکارهایی را به کار گیرند تا سود مشمول مالیات را کاهش دهند. هر چه تعداد مدیران مستقل در ساختار هیات مدیره بیشتر باشد، نشان دهنده این است مدیران بیشتری با منافع شرکت همسو نیستند، پس آن ها مایل به کاهش نرخ مؤثر مالیات نیستند. بنابراین با افزایش استقلال هیأت مدیره، نرخ مؤثر مالیات افزایش می یابد. این نتیجه عکس نتیجه بدست آمده در پژوهش ماهنتیران (۲۰۰۹) بوده، حال آنکه محمدی و همکاران (۱۴۰۲)، و یزدانیان و حساس یگانه (۱۳۸۷) رابطه معناداری بین این دو متغیر نیافتند.

نتیجه آزمون فرضیه سوم

در فرضیه سوم بیان شده بود که بین دوگانگی نقش مدیر عامل با نرخ مؤثر مالیات رابطه معنادار وجود دارد. آزمون فرضیات بیانگر رابطه مثبت و معنادار بین این دو متغیر است. در واقع دوگانگی نقش مدیر عامل حالتی است که مدیر عامل، رئیس هیأت مدیره نیز باشد. دلیل این رابطه مثبت می تواند این باشد که دوگانگی نقش مدیر عامل، از نظارت مؤثر، ممانعت به عمل می آورد و بنابراین مدیر به دنبال حداکثر کردن منفعت خود خواهد بود. در نتیجه این انگیزه برایش ایجاد می شود که درآمد شرکت را بیشتر گزارش کرده تا با این کار ارزش شرکت را بیشتر نشان دهد و با این کار به اعتبار خود اضافه کند. بدیهی است متناسب با افزایش درآمد ابراز شده، مالیات وضع شده بر شرکت نیز افزایش می یابد. لذا می توان گفت که بین دوگانگی نقش مدیر عامل و نرخ مؤثر مالیات رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. بهتر است از ایجاد فضای مناسب جهت دستکاری سود توسط مدیریت خودداری بعمل آید. بدین منظور بایستی از انتصاب رئیس هیئت مدیره بعنوان مدیرعامل شرکت جلوگیری شود. این نتایج عکس نتایج پژوهش ماهنتیران (۲۰۰۹) بوده است.

نتیجه آزمون فرضیه چهارم

در فرضیه چهارم بیان شده بود که بین درصد مالکیت سهامداران نهادی و نرخ مؤثر مالیات رابطه معنادار وجود دارد. آزمون فرضیه بیانگر این است رابطه معنی دار بین این دو متغیر تایید نشد. باباجانی و عبدی (۱۳۸۹) نیز رابطه معناداری بین این دو متغیر مشاهده نکردند. ماهنتیران (۲۰۰۹) رابطه مثبت و یزدانیان و حساس یگانه (۱۳۸۷) رابطه منفی بین این دو متغیر یافتند.

نتیجه رگرسیون ترکیبی به منظور سنجش رابطه بین نرخ مؤثر مالیات و درصد مالکیت سهامداران نهادی P-value برابر با ۰/۹۹۶۳ مربوط به ضریب متغیر مستقل در آماره t نشان دهنده این است که رابطه معناداری بین نرخ مؤثر مالیات و درصد سهامداران نهادی اثبات نشد. (رد فرضیه چهارم).

معادله نهایی

مجدداً با استفاده از متغیرهایی که رابطه معنادار دارند، آزمون رگرسیون انجام شد و رابطه زیر به دست آمد: (مطابق با پیوست شماره ۶)
$$ETR = -0.561745 + 0.036809 Brdind + 0.055364 Dual + 0.054454 LogTA - 0.124514 Lev$$

۸- نتیجه گیری

در این تحقیق، برای بررسی حاکمیت شرکتی از ۴ عنصر، اندازه هیأت مدیره، درصد اعضای غیر موظف هیأت مدیره (استقلال هیأت مدیره)، دوگانگی نقش مدیر عامل و درصد مالکیت سهامداران نهادی استفاده شد.

جدول ۴- نتایج آزمون فرضیات

متغیر وابسته	نرخ مؤثر مالیات
متغیر مستقل	
اندازه هیأت مدیره	رابطه معنادار وجود ندارد.
استقلال هیأت مدیره	رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.
دوگانگی نقش مدیر عامل	رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.
درصد مالکیت سهامداران نهادی	رابطه معنادار وجود ندارد.

۹- پیشنهادات برای تحقیقات آتی

یافته های این تحقیق می تواند رهنمودی برای محدوده های جدید تحقیقاتی از جمله:

- ۱- طراحی و شناسایی رابطه نرخ مؤثر مالیات با معیارهای دیگر حاکمیت شرکتی برای مثال با استفاده از معیار تمرکز مالکیت، نفوذ مدیرعامل، اتکای بر بدهی، مدت زمان تصدی مدیرعامل در هیأت مدیره و غیره.
- ۲- با توجه به آن که در ایران تحقیقات کمی در زمینه نرخ مؤثر مالیاتی انجام شده است پیشنهاد می شود تا رابطه این متغیر با سایر متغیرهای مستقل سنجیده شود که در واقع این عمل می تواند گامی کوچک در زمینه بهبود نظام مالیاتی باشد.

۱۰- محدودیت های تحقیق

- برخی از شرکت های بورس اوراق بهادار، اعضای موظف و غیر موظف را تصریح نکرده بودند به همین دلیل ناگزیر به حذف شرکت های مزبور شدیم.

۱۱-منابع

- حساس یگانه، یحیی (۱۳۸۵). "حاکمیت شرکتی در ایران"، فصلنامه حسابرس، بهار ۱۳۸۵، شماره ۳۲
- خواجهی، شکراله؛ کیانمهر، محمد (۱۳۹۵). "مدل سازی اجتناب مالیاتی با استفاده از اطلاعات حسابداری: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران". مجله دانش حسابداری، سال هفتم، شماره ۲۵، تابستان ۹۵.
- گرامی، امنه، صفری، رویا، کیخایی، نازنین، رمضانین، خدیجه. (۱۴۰۱). هموارسازی سود و مدیریت سود. چشم انداز حسابداری و مدیریت، ۵(۶۶)، ۲۶-۳۲.
- محمدی، داوود و خسروی فارسانی، رضا، ۱۴۰۲، بررسی نقش تعدیلگری حاکمیت شرکتی بر رابطه بین اجتناب از مالیات و ریسک مالیاتی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، نهمین کنفرانس بین المللی علوم مدیریت و حسابداری، تهران،
- مرادپور، مجتبی؛ قیطولی، زهرا (۱۴۰۰) تاثیر حاکمیت شرکتی بر کارایی سرمایه گذاری، دومین کنفرانس بین المللی رویکردهای نوین در علوم، مهندسی و تکنولوژی، ترکیه، استانبول
- نصیرزاده، فرزانه، پوریوسف، اعظم. (۱۴۰۲). مدیریت سود و تناقض لحن افشای مدیران: نقش تعدیل کنندگی نزدیک بینی مدیرعامل. مجله دانش حسابداری، ۸(۵)، ۶۶-۷۵.
- نفرشلمزاری، ناهید و رحیمی دستجردی، محسن و صفی، مهدی، ۱۴۰۳، بررسی رابطه حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی و تاثیر آنها بر سود شرکت ها، ششمین همایش بین المللی پژوهش های شاخص در مدیریت، حسابداری، بانکداری و اقتصاد، مشهد،
- نیک قلب، هادی، صیادشیرکش، سعید، حق شناس کاشانی، فریده. (۱۴۰۱). حاکمیت شرکتی با رویکرد نظارت اثربخش بر واحد اعتبارات در بانک ملی. مدیریت نوآفرینی، ۲(۳)، ۷۱-۹۰.
- واعظ، سید علی، قلمبر، محمدحسین، انواری، ابراهیم، قناد، علی. (۱۴۰۱). بررسی ارتباط بین انحراف توجه سرمایه گذاران نهادی و مدیریت سود. مجله دانش حسابداری، ۴(۸)، ۲۶-۳۳.
- Armstrong, C.S., Blouin, J.L., Jagolinzer, A.D., Larcker, D.F. (2015). Corporate governance, incentives, and tax avoidance. *Journal of Accounting and Economics*, 60(1), 1-17.
- Hanlon, M., & Heitzman, S. (2012). A review of tax research. *Journal of Accounting and Economics*, 50(2 and 3), 127-178
- Karen Crabbé , (2010) , "The impact of the auditor and tax advice on the effective tax rate", <http://papers.ssrn.com>.